

عباس امیرانتظام درنامه‌ای خطاب به "رونالد گالیندویل"، نماینده سازمان ملل در کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد، گوشه‌ای از جنایاتی، که رژیم ایران در زندانها مرتکب شده و می‌شود را افشاء کرد

"رحمان هاتفی" را شکنجه و اعدام کردند

"امیرانتظام" سخنگوی دولت آقای بازرگان، که از ۸ سال پیش در زندان جمهوری اسلامی بسر می‌برد و شاهد بسیاری از جنایات رژیم در زندانها بوده است، در نامه خود درباره شرایط حاکم بر زندان، آنچه خودکشیده و حقایق پشت پرده، ازجمله می‌نویسد:

- محرومیت از ملاقات، که تا به امروز ادامه دارد. در سال و نیم اقامت در پشت درهای بسته در يك سلول ۱٫۵ در ۲٫۶۵ متر همراه با ۲۷ نفر دیگر و فقط ۲ بار حق استفاده از دستشویی ظرف ۲۴ ساعت. اختصاص فقط يك حمام برای ۲۷ نفر، که در آن تعداد دوشها از ۲ دستگاه تجاوز نمی‌کرد.

- داشتن فقط حق ۲ ساعت خواب (بطور دراز کشیده) ظرف ۲۴ ساعت.

- فقدان بهداشت، ناراحتی‌های پوستی (بمناسبت ۲ سال در یکجا بی‌حرکت نشستن).

- بیماری لگن خاصره.

- ابتلا به بیماری چشم و پروستات. انتظار به مدتی بیش از ۴ سال در حال رنج و بیماری برای عمل پروستات و زائوری چپ.

- رنج بردن از زخم معده و بیماریهای دیگر، بدون غذا و مداوای کافی، که تا به امروز ادامه دارد.

- قطع ارتباط با هسر و فرزندانش تا به امروز.

- خارج کردن من از سلول طی ۲ بار در نیمه‌های شب به قصد اعدام و نگهداری ۷۲ ساعت بدون هیچگونه توضیح.

- اجبار به سرپا ایستادن طی ۲۷ ساعت متوالی و صدها بدرفتاری مشابه دیگر.

ممکن است شخص فکر کند، که اینگونه رفتار در حال حاضر دیگر موقوف شده است. ولی من می‌توانم شواهد زیر را دال بر ادامه این طرز رفتار ارائه دهم:

- در خلال پانیز سال ۱۹۹۱ (ماه آذر)، ۲۴ ساعت بعد از اینکه آقای گالیندویل به ایران رسید، در ساعت ۹ بعد از ظهر، درحالی که باران به شدت می‌بارید و هوا نیز به شدت سرد بود، مرا از بخش ۳ به بخش ۴ زندان (که آن را بخش خارجیه می‌نامند)، منتقل کردند. برای انتقال زندانیان از کامیونهای روباز استفاده شد و در نتیجه گوش من سرما خورد. مدت ۴۰ روز اجازه نمی‌دادند متخصص مرا معاینه کند، تا اینکه در اثر نفوذ چرک پرده گوشم شدیداً صدمه دیدم. پس از دو ماه رنج و اختلال شنوایی در در گوش سرانجام پزشک را به بالین من آوردند و او گفت، که ۴۰ درصد از شنوایی خود را از دست داده‌ام.

"امیرانتظام" سپس بمنوان شاهد زنده جنایات رژیم در زندانها از جمله می‌نویسد:

- شکستن دندان و پاره کردن پرده گوش تقی رحمانی.

- زدن شلاق به علی خیابنیا، شکنجه و اعدام صادق عزیزی، هوشنگ شاهین، علیرضا آشتیانی، حیدر مهرگان ("رحمان هاتفی" سردبیر روزنامه کیهان در دوران انقلاب و سپس عضو هیات سیاسی حزب توده ایران) و اردشیر یگانه، وصل پریر برق به پشت زندانبان، آویزان کردن آنها از پا یا بازو، سرپانگه داشتن زندانبان به مدت ۸ روز.

- گرسنگی دادن به زندانبان، يك قطعه نان و يك بشقاب برنج برای ۱۰ زندانی طی ۲۴ ساعت.

از دیگر شکنجه‌های معمول، نگه داشتن زندانی در يك تابوت کوچک به ابعاد ۵۰ در ۸۰ در ۱۴۱ سانتیمتر طی مدت چند ماه است. در سال ۱۹۸۴ (۱۳۶۳) تعداد ۲۰ زندانی را در این نوع تابوتها قرار داده و تمامی آنها دیوانه شدند.

(منوچهر بهزادی دبیر کمیته مرکزی حزب توده ایران و سردبیر ارگان مرکزی حزب ("نامه مردم") از جمله زندانبان رژیم بود، که مدتها در این تابوتها زندانی بود و تا مدتها دچار اختلالات ناشی از این عمل جنایتکارانه رژیم بود. او سپس بهراه دیگر زندانبان و در جریان فاجعه ملی اعدام شد).